

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی ، اجتماعی »

شماره - نهم

آذر ماه ۱۳۴۴

اگرچه

دوره - سی و چهارم

شماره - ۹

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

بقلم : آقای ابراهیم صفائی

مدرسه خان

در سفر چند روزه شیراز ضمن بازدید آثار باستانی و اماکن دیدنی این شهر بجزئی « مدرسه خان » برآمدم زیرا این مدرسه سالیان دراز محل درس « ملا - محمدصدرالدین » معروف به « ملاصدرای شیرازی » (صدرالمطالبین) فیلسوف و دانشمند بزرگ قرن یازدهم هجری و جایگاه اشراق فضیلت و دانش بوده است .

« مدرسه خان » در « کوی اسحق بیگ » واقع شده است . من از يك خیابان فرعی منشعب از خیابان « لطفعلیخان زند » بکوی اسحق بیگ راه بردم و بدیدن مدرسه خان شتافتم ، این مدرسه (که متأسفانه در حال انهدام است) دور تا دورش سی و دو حجره تحتانی و سی و دو حجره فوقانی دارد و در هر طرف در میانه حجره ها ایوانی بلند بنا شده است .

در جهت جنوب و جنوب شرقی ایوان و حجره های آن در هم ریخته و بکلی ویرانه شده است ، خوشبختانه با کوشش آقای پیرنیا استنادار محترم فارس و با سعی اداره

باستانشناسی شیراز ترمیم خرابیها آغاز گردید و سه حجره فوقانی و تحتانی جنوب شرقی مدرسه عیناً با همان وضعیت سابق و با همان نمای کاشیکاری مطابق نقشه و نمونه قسمتهای دیگر تکمیل شده و بقیه در دست ساختمان و تعمیر است.

نمای تمام حجره ها کاشیکاری و نمای ایوانها دارای کتیبه های جالب و خوش خط میباشد و اکنون هم بیش از سی طلبه در این مدرسه با کمال قناعت و عزت نفس درس می خوانند و نان بخور و نمیری بیشتر ندارند.

این طلابی که اینگونه با قناعت و عزت نفس درس می خوانند معروف شرف اخلاقی دانشجویان سابق ایرانی هستند که علم را فقط برای خود علم میخواستند ، اینگونه محصلان تقوی و عزت نفس داشتند و پس از آنکه تحصیلات خود را بیابان می بردند خود را از دولت و ملت طلبکار نمیدانستند و در ازاء چند سال درس خواندن مقام و میز و ماشین و ماهی چند هزار تومان حقوق مطالبه نمی نمودند و سربار بودجه بیموازنه دولت نمی گشتند ، بلی این طلبه های مدرسه خان از آن نوع دانشجویان هستند و ای کاش اوقاف فارس لاقلاً از محل درآمد موقوفات همین «مدرسه خان» برای مساعدت باین طلاب فکری میکرد.

بهر حال هدف اصلی من دیدن محل درس « ملاصدرا » بود ، بر فراز دالان ورودی این مدرسه اطاق بزرگی قرار دارد ، از گوشه دالان مدرسه پس از طی پله های تنگ و کوتاهی بایوان جلو این اطاق رسیدم ، این اطاق بسبب مخصوص یک نوع از ساختمانهای قدیم ایران است که آنرا « ارسی » می گفتند و مطابق معمول ارسی های قدیم ، یک بدنه این تالار را سرتاسر در بزرگی که آن نیز « ارسی » نامیده می شود پوشانده است ، بدیهی است قسمت بالای در ارسی از چوب بری و شیشه کاریهای نسبتاً ظریف درست شده و قسمت زیرین درهائی است که بصورت کشو بالا و پائین میرود . در اینجا لحظه ای چند در اندیشه های روحانی فرورفتم ، در عالم تصور (تصویری که بصورت شهود بود)

« ملاصدرا » را میدیدم که در صدر این مجلس نشسته و « اسفار اربعه » را تدریس می کند ، دانشمندان و طلاب علوم الهی گردش صف در صف روی دوزانوی ادب جلوس نموده و سراپا گوشند ، آن یکی از کتاب « شواهد الربوبیه » سؤال می کند و دیگری از « حاشیه الهیات شفا » مشکلات خود را عرضه می نماید طلبه‌ئی دیگر در « شرح حکمة الاشراق » بحثی پیش می کشد فکر توانا و اندیشه عمیق « صدالمতالہین » همه آنان را پاسخ میدهد و مشکلاتشان را آسان می نماید .

بزرگانی چون « ملا محسن فیض کاشانی » و « ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی » را میدیدم که در مجلس درس استاد خود مجذوب بیانات او هستند .

همینکه از این تصورات بخود باز آمدم و آن تالار کوچک و فضای محدود و وسایل معدوم آن زمان را در نظر گرفتم و با ساختمانهای عظیم دانشگاه و وسایل پیشرفته و امکانات نامحدود این عصر مقایسه نمودم تأسف بر تأسف افزود که از آن تنگناهای جان فرسا چنان دانشمندانی بزرگ برخاستند که تاریخ ایران و دنیای شرق بنام آنان سرفراز است ، ولی از این دانشگاهها هنوز يك دانشمند واقعی قدم بعرصه اجتماع نهاده است ، صدها دکتر و لیسانسیه ادبیات و تاریخ درست کرده ایم ولی هنرشان این بوده است که مثلا درباره زفاف لیلی و مجنون یا وصال ویس و رامین یا دز خصوص قتل میرزا تقیخان و آقا بالا خان يك رساله نوشته اند !

باز هم از مطلب دور افتادم ، پس از تصورات گوناگون و رؤیاهای روحانی محل درس « صدالمতالہین » را ترك گفتم .

اما « خان » که بوده است ؟ که این مدرسه باو منسوب میباشد ؟

اللهوردی خان افشار والی فارس در ۱۰۲۱ هجری قمری بنای این مدرسه را آغاز کرده و در ۱۰۲۴ بکوشش امامقلیخان افشار (پسر وی) بانجام رسیده است و تولیت آن با اولاد ارشد و ذکور خودشان بوده و موقوفات بسیار داشتند که فعلا فقط

چندین باب دکان مجاور مدرسه از آن موقوفات باقی است و دیگر موقوفات را ورثه یا متولیان یا اوقاف بدست طمع خود از میان برده اند .

این مدرسه در سال ۱۲۷۹ ق بدستور ناصرالدینشاه و بسعی و همت حاج میرزا علی اکبر قوام الملك شیرازی تعمیر شده ولی اکنون مرمت کلی لازم دارد . محل درس « صدرالمطالین » فعلا بصورت کتابخانه است ، ولی کتابی در آنجا نیست ! بسیار شایسته و بجا میباشد که تعمیرات مدرسه را با نظر معماران و استادکاران سبک قدیم (که پاسدار و خلاق آثار هنری و بزرگ معماری ایران هستند) ادامه دهند و محل درس « صدرالمطالین » را هم (که رو بانهدام است) بصورتی زیننده حفظ و تعمیر کنند و عکس و آثاری از خود او و از شاگردان نامدار او مانند فیض کاشانی و فیاض لاهیجی (۱) نیز در آنجا بگذارند و این مکتب علم و فلسفه فیلسوف معروف ایران را (که متأسفانه خودش در بصره در گذشته است) (۲) بصورت نمونه مجالس درس دانشمندان بزرگ پیشین محفوظ بدارند .

امید است با توجه استناداری فارس و اداره باستانشناسی این مأمول نیز

برآورده شود .

در پایان يك رباعی برای حسن ختام این مقاله از ملاصدرا نقل میشود :

آنانکه ره دوست گزیدند همه	در کوی شهادت آرمیدند همه
در معرکه دو کون فتح از عشق است	هر چند سپاه او شهیدند همه

۱- ملامحسن فیض کاشانی و ملا عبدالرزاق لاهیجی هر دو شاگرد و داماد ملاصدرا

بوده اند .

۲- ملاصدرا بسال ۱۰۵۰ هـ - ق برای بار هفتم که عازم سفر مکه بود در بصره

در گذشت .